

بررسی شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آنها با تاکید بر نظریات آیت الله معرفت و دکتر سهها

Oyounmag.ir

محمدعلی رضایی اصفهانی^۱

علی محمد راهی^۲

چکیده:

یکی از ارزنده ترین خدمات به قرآن کریم، بررسی شبهات معاصر در مورد این کتاب آسمانی است که می تواند سایه شک و تردید را از قلوب مؤمنین دور سازد و علاقه آنها را برای استفاده از این کتاب جاویدان بیش از گذشته کند. با توجه به محدودیت این نوشتار، در این مقاله از بین همه شبهات، تنها به شبهات قرآن و علم پرداخته شده است و تأکید در این بحث بر نظریات آیت الله معرفت و دکتر سههاست. آیت الله معرفت که یکی از پرچم داران پاسخ گویی به شبهات قرآنیست، در پاسخگویی خود به شبهات علمی قرآن کریم از چند منبع استفاده می کند که عبارتند از: قرآن، سنت، علوم قطعی، دیدگاه مفسران، لغت و ادبیات عرب و عقل. استفاده ایشان از این منابع در اکثر موارد بجا و متقن است، اما در بعضی موارد جزئی هم، جای نقد و اشکال دارد. در مقابل ایشان یعنی در جبهه شبهه پراکنان، شخص یا اشخاصی با نام مستعار دکتر «سهها» قرار دارند. دکتر سهها مبانی ای را در همه فصول کتابش اتخاذ کرده است که به عنوان شالوده، ساختار کلام خویش را بر آنها استوار کرده است. ایشان در فصل دوم کتابش که مربوط به «خطاهای علمی قرآن» است با پیش فرض قرار دادن بعضی از این مبانی به ذکر نمونه هایی از تعارض قرآن و علم پرداخته است و در همه این موارد قرآن کریم را محکوم کرده و در نهایت، حکم به غیر الهی بودن آن داده است. در این مقاله شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آنها بخصوص از طرف آیت الله معرفت و دکتر سهها مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود که در قرآن کریم نه تنها مطالب مخالف علم قطعی وجود ندارد، بلکه مطالب علمی قرآن به صورت شگفت انگیزی جلوتر از علم حرکت کرده است و علم قطعی آنها را تأیید می کند.

کلمات کلیدی: شبهات قرآن و علم، نظرات آیت الله معرفت، قرآن و علم، شبهات دکتر سهها، شیوه برخورد با شبهات، بررسی شبهات.

^۱. استاد جامعه المصطفی

@gmail.com ۲۰۱۰ alifiel

^۲. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی در رشته تفسیر تطبیقی

طرح مسأله:

در مورد مباحث مربوط به قرآن و علم دو دیدگاه کلی وجود دارد:

۱- برخی پنداشته اند که عبارت هایی از قرآن کریم با واقعیت های علمی ناسازگار است. مستشرقانی همچون آنجلیکا نیورث، پائول کونیتچ، احمد دلال و ماهر جرّار در دایرةالمعارف قرآن لایدن، مسأله هفت آسمان، آفرینش جهان در شش روز، حرکت خورشید، حرکت زمین و شهاب ها که در قرآن ذکر شده است، با هیئت بطلمیوسی - ارسطویی مطابقت داده، با اکتشافات جدید نجومی متعارض دانسته اند. (مسترحمی، بخشایش، ۱۳۹۱: ۳۱) بدیهی است که چنین پنداری با وحیانی بودن قرآن کریم منافات دارد. یک از پرچم داران معاصر این دیدگاه شخص یا اشخاصی به نام مستعار دکتر سهاست. دکتر سها کتابی را با عنوان «نقد قرآن» نوشته که به صورت پی دی اف در ۹۳۳ صفحه در ویرایش دوم منتشر شده است. این کتاب در قالب ۲۳ فصل به نقد قرآن کریم از جهات متعدّد پرداخته است، یکی از این جهات، نقد علمی قرآن کریم می باشد که در فصل دوم کتاب با عنوان «خطاهای علمی قرآن» آمده است. ایشان در این فصل، با پیش فرض قرار دادن غیر وحیانی بودن قرآن کریم و با استفاده از روش های ده گانه به ذکر نمونه هایی از تعارض قرآن و علم پرداخته و در همه این موارد، قرآن کریم را محکوم کرده است و در نهایت حکم به غیر الهی بودن آن داده است.

۲- برخی معتقدند که قرآن کریم (به عنوان آخرین کتاب الهی که مصون از تحریف لفظی می باشد) با واقعیت های علمی سازگار است. این گروه خود بر دو قسمند: بعضی مانند ابو حامد غزالی (غزالی، ۱۴۰۲: ۲۸۹/۱)، ابوالفضل مرسی (ر.ک: ذهبی، ۱۳۹۶: ۴۷۸/۲-۴۸۲)، بدرالدین زرکشی (زرکشی، ۲: ۱۸۱/۱۴۱۰)، جلال الدین سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۵: ۲؛ ۱۴۰۷: ۲۸۲/۲-۲۷۱)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۰۲: ۵۷/۱) و در عصر جدید طنطاوی جوهری در تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» معتقدند که همه علوم بشری در قرآن وجود دارد، و بعضی دیگر مانند زمخشری (کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸) از مفسران قدیمی و علامه طباطبایی (ر.ک: طباطبایی، ۱۲: ۱۴۱۷/۳۲۵) و آیت الله مصباح یزدی (مصباح، ۱۳۶۷: ۲۲۹) و آیت الله مکارم (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۳۶۱-۳۶۲) از مفسران معاصر معتقدند که ظواهر آیات قرآن کریم دلالتی بر تمامی علوم بشری ندارند و در این کتاب آسمانی تنها از باب عرضی و استطرادی به بعضی از مطالب علمی اشاره شده است، اما همین مقدار هم نه تنها مخالف علم قطعی نیست، بلکه به صورت شگفت انگیزی جلوتر از علم حرکت کرده است. یکی از پرچم داران معاصر این دیدگاه، آیت الله معرفت (ره) است. ایشان که یکی از مفاخر جهان اسلام (بویژه در مباحث مربوط به قرآن کریم) است، خدمات بسیار ارزنده ای در ساحت این کتاب آسمانی انجام داده که یکی از فعالیت های علمی ایشان پاسخگویی به شبهات قدیم و جدید قرآن کریم است که در دو کتاب «التمهید ج ۶» و «شبهات و ردود حول القرآن الکریم» منعکس شده است. البته بعضی از این مباحث، تحت عنوان اعجاز علمی قرآن کریم، در کتاب «علوم قرآنی» ایشان ذکر شده، که در حقیقت برگرفته از کتاب «التمهید» است.

مفهوم شناسی:

شبهات:

در لغت: شبهات، جمع شبهه، به معنی شک و تردید (دهخدا، ۱۳۴۱: شماره مسلسل ۲۳۰/۷۲؛ معین، ۱۳۷۵: ۲۰۲۱/۲)، ظن و احتمال، اشتباه، اشکال، مثل و مانند، مشابهت و پوشیدگی (معین، ۱۳۷۵: ۲۰۲۱/۲) و همانند بودن دو چیز اعم از عین و معناست به گونه ای که یکی از دیگری تشخیص داده نشود (راغب، ۱: ۴۴۳/۱۴۱۲)؛ گفته شده است شبهه اسمی است که از اشتباه گرفته شده و در چیزی استفاده می شود که حلیتش با حرمتش؛ صحتش با فسادش و حقش با باطلش اشتباه شود. (الشرتوتی، ۱۳۷۴: ۱۸/۳)

در اصطلاح: در اصطلاح شرعی به چیزی گفته می شود که وضعیتش مشکوک باشد و حلال یا حرام بودن و حق یا باطل بودنش فهیده نشود (انیس و دیگران، بی تا: ۴۷۱) شبهه عبارت است از بیان مطالب یا پرسش به صورتی که حق و باطل مخلوط شود و دیگران را به اشتباه بیاندازد. تفاوت اساسی شبهه و پرسش آن است که در پرسش شخص به دنبال حق است و از مطلبی سؤال می کند تا حقایق بر او روشن شود. از این رو پرسش را تا حد امکان شفاف و مشخص بیان می کند. اما در شبهه شخص به دنبال گمراه کردن دیگران است و نمی خواهد که حقیقت روشن شود یعنی غالباً حقیقت را می داند ولی آن را ورای کلمات مخفی می کند، از این رو شبهه همراه با ابهام و اجمال بیان می شود. (رضایی، ۱۳۹۴: ۱۰)

علم:

در لغت: به معانی مختلفی آمده است از جمله: یقین (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۲۷/۲)؛ شعور و ادراک، نقیض جهل، کوه بلند (که جمعش اعلام است) (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۵۲/۲)؛ چیزی که در راه نصب می شود برای اینکه علامتی برای راه یافتن باشد. (همان: ۱۵۳)؛ ادراک حقیقت یک چیز (راغب، ۱۴۱۲: ۵۸۰/۱)؛ شناخت (واسعی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۹۵/۱۷) و حضور و احاطه بر چیزی (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۰۶/۸).

در اصطلاح: «علم» اصطلاحات متعددی دارد، اما مراد ما از علم در این مقاله، «مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد، و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویستها به کار می برند و براساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی شمارند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۶۴/۱)، این اصطلاح در زبان انگلیسی معادل با کلمه (science) است.

مبانی آیت الله معرفت (ره) در شبهات قرآن و علم:

آیت الله معرفت در مواجهه با شبهات قرآن و علم، مبانی ای را اتخاذ کرده که بنای پاسخ های ایشان بر آنها استوار شده است. آن مبانی عبارتند از:

- ۱- قرآن کریم به عنوان یک وحی رسالی بر حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله نازل شد است (معرفت، ۱۴۲۹: ۲۹/۱) که مصون از هر نوع تناقض (معرفت، ۱۳۸۵: ۲۹۶) و تحریف (معرفت، ۱۳۸۰: ۴۴۷) است.
- ۲- قرآن کریم کتاب حکمت و هدایت و تربیت و ارشاد و به عبارت ساده تر کتاب تشریح است نه کتاب علمی، از این جهت مسائل علمی در آن به صورت اشاره های زودگذر و به قصد هدایت مطرح شده است، پس نباید انتظار داشت که تمامی اصول و مبانی علوم طبیعی و ریاضی و فلکی و... در آن جمع شده باشد. (معرفت، ۱۴۲۹: ۶/۶، ۱۳).
- ۳- هرگز نباید میان دیدگاه های استوار دین و فراورده های ناپایدار علم، پیوند ناگسستنی ایجاد کرد. اگر دانش مندی با ابزار علمی قطعی توانست از برخی ابهامات قرآنی پرده بردارد کاری پسندیده است مشروط بر اینکه با کلمه «شاید» نظر خود را بیان کند که اگر در آن نظریه علمی تحوّل ایجاد شد به قرآن صدمه ای وارد نشود. (معرفت، ۱۳۸۰: ۴۱۷)

روش و منابع آیت الله معرفت (ره) در مواجهه با شبهات قرآن و علم:

روش آیت الله معرفت در پاسخگویی به شبهات قرآن و علم گاهی به صورت مستقیم است، همانگونه که غالباً در کتاب «شبهات و ردود» انجام داده اند، و گاهی به صورت غیر مستقیم است، همانگونه که در کتاب «التمهیدج ۶» انجام داده اند. ایشان در پاسخ های خود از شش منبع استفاده کرده اند که عبارتند از: ۱- قرآن کریم ۲- سنت حضرات اهل بیت علیهم السلام ۳- فراورده های قطعی علوم ۴- دیدگاه مفسران، ۵- لغت و ادبیات عرب، ۶- عقل. روش ایشان در بکارگیری این منابع روشی منصفانه، مستدل و منطقی است.

مبانی دکتر سها در شبهات قرآن و علم:

سها در فصل دوم کتاب «نقد قرآن» یک مبنا بیشتر ندارد و آن غیر وحیانی دانستن قرآن کریم است.

روش و منابع دکتر سها در شبهات قرآن و علم:

دکتر سها از روش های مختلفی برای نقد قرآن کریم استفاده کرده است که عبارتند از: ۱- تفسیر قرآن به قرآن ۲- تفسیر قرآن به سنت ۳- استفاده از دیدگاه مفسران ۴- استفاده از ابهام بعضی تفاسیر ۵- استفاده از علوم تجربی ۶- تحقیر و تمسخر طرف مقابل ۷- تکرار بعضی شبهات و استفاده از آنها در جاهای متعدّد ۸- نگاه علمی به همه آیات قرآن کریم ۹- تفسیر غیر عالمانه ۱۰- باسواد جلوه دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اطلاع ایشان از اکثر علوم و علمای زمان خود.

ایشان برای فهم دین اسلام و نه تنها قرآن کریم، دو منبع را معرفی می کند که یکی قرآن و دیگری سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، پس منبع اولش صرفا قرآن است اما از سنت زمانی بهره می گیرد که آیات قرآن کریم وضوح کافی را (بنا بر اعتقاد او) نداشته باشند (ر.ک: سها، ۱۳۹۳: ۲۹)

بررسی شیوه برخورد آیت الله معرفت (ره) و دکتر سها در شبهات قرآن و علم:

همانگونه که بیان شد آیت الله معرفت و دکتر سها در مبنا کاملا با هم اختلاف دارند یکی قرآن را معجزه الهی و دیگری ساخته و پرداخته یک انسان می داند. در منابع هم تنها در قرآن و سنت مشترکند با این توضیح که کیفیت و کمیت استفاده از این دو نیز متفاوت است اما در شیوه می توان گفت که در اکثر موارد از شیوه های واحدی استفاده کرده اند ولی کیفیت استفاده ایشان کاملا متفاوت است. یکی به صورت منصفانه از این شیوه ها برای اثبات الهی بودن قرآن کریم بهره می گیرد و دیگری همه تلاش خود را بکار می گیرد تا بوسیله این شیوه ها، انسانی بودن این کتاب را اثبات کند. برای تبیین بیشتر به بررسی این شیوه ها می پردازیم:

۱. شیوه های مشترک: حضرت آیت الله معرفت از منابعی در پاسخگویی استفاده کرده اند که به عبارت دیگر می توان آنها را به عنوان شیوه های پاسخگویی ایشان یاد کرد، لذا منابعی که مطابق با شیوه های دکتر سهاست را به عنوان شیوه های مشترک ذکر می کنیم و در صورت لزوم به تحلیل آنها می پردازیم. آن شیوه ها عبارتند از: تفسیر قرآن به قرآن؛ تفسیر قرآن به سنت؛ استفاده از آراء مفسرین و استفاده از علوم تجربی.

۱-۱. شیوه تفسیر قرآن به قرآن:

نمونه ای از دکتر سها:

سها برای تأیید بعضی از شبهات علمی در قرآن کریم، از آیات دیگر قرآن کریم استفاده کرده است، اصل این کار درست است. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در مشروعیت چنین تفسیری می فرمایند: «وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (نهج البلاغه: ۱۹۲) بعضی از قرآن با بعضی دیگر سخن می گوید، و بعضی از آن بر بعضی دیگر گواهی می دهد. علامه طباطبایی نیز با تأیید چنین تفسیری آن را در المیزان به اوج خود رسانده است، بنابراین اصل چنین روشی درست است اما به شرط اینکه تفسیر به رأی و مصادره به مطلوب نباشد بدین معنا که گاهی بعضی برای اثبات نظر خود به صورت گزینشی از آیات دیگر استفاده می کنند. متأسفانه سها در استفاده کردن از آیات دیگر، این شرط را رعایت نکرده است. سها در ذیل عنوان «ادعای بیان حرکت زمین در قرآن» ابتدا به دو آیه از قرآن کریم اشاره می کند: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (۱۵) أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶/ملک) او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید، و از روزی های خداوند بخورید، و بازگشت همه به سوی او است* آیا خود را از عذاب کسی که حاکم بر آسمان است در امان می‌دانید که دستور دهد زمین بشکافد و شما را فرو برد و دائما به لرزش خود ادامه دهد؟ سها سپس در ادامه می‌گوید: «ذلول بمعنی شتر فرمانبر و راهوار است. بنابراین گفته اند بکار بردن ذلول در مورد زمین یعنی اینکه زمین در حال حرکت است اما راهوار است. البته کسانی که مدعی این معجزه شده اند به عمد (به احتمال قوی) یا به سهو از آیه ی بعدی صرف نظر کرده اند که معنی ذلول را مشخص کرده است. در آیه ی ۱۶ گفته شده که خدا می‌تواند این زمین آرام را با زیر و رو کردن و زلزله (لرزش) ناآرام کند پس آرام بودن در مقابل زلزله آمده است نه حرکت وضعی یا انتقالی زمین.» (سها، ۱۳۹۳: ۱۴۴)

بررسی: هیچ دلیلی وجود ندارد که آیه ۱۶ در مقام تفسیر تنها مصداق ذلول باشد. ذلول کردن زمین توسط خداوند متعال، معنای جامعی است که مصداق فراوانی دارد، یکی از این مصداق، نگه داشتن زمین از زلزله‌هایی است که موجب نابودی همه انسان‌ها می‌شود، اما این همه مصداق نیست. «ذلول» به معنی «رام» جامعترین تعبیری است که در باره زمین ممکن است بشود. چرا که این مرکب راهوار با حرکات متعدد و بسیار سریعی که دارد آن چنان آرام به نظر می‌رسد که گویی مطلقا ساکن است، بعضی از دانشمندان می‌گویند زمین چهارده نوع حرکت مختلف دارد که سه قسمت آن حرکت به دور خود، و حرکت به دور خورشید، و حرکت همراه مجموعه منظومه شمسی در دل کهکشان است، این حرکات که سرعت زیادی دارد چنان نرم و ملایم است که تا براهین قطعی بر حرکت زمین اقامه نشده بود کسی باور نمی‌کرد حرکتی در کار باشد، از سوی دیگر، پوسته زمین نه چنان سفت و خشن است که قابل زندگی نباشد، و نه چنان سست و نرم است که قرار و آرام نگیرد، بلکه کاملا برای زندگی بشر رام است، اگر فی المثل غالب سطح زمین باتلاقی‌هایی بود که همه چیز در آن فرو می‌رفت، یا ماسه‌های نرمی که پای انسان تا زانو در آن فرو می‌نشیند یا سنگهای تیز و خشنی که با مختصر راه رفتن بدن انسان را کوفته و مجروح می‌کند، آن وقت معنی ناآرامی زمین روشن می‌شد.

از سوی سوم، فاصله آن از خورشید نه چندان کم است که همه چیز از شدت گرما بسوزد، و نه چندان دور است که همه چیز از سرما بخشکد، فشار هوا بر کره زمین آن چنان است که آرامش انسان را تامین کند، نه آن قدر زیاد است که او را خفه کند، و نه آن قدر کم است که از هم متلاشی شود، جاذبه زمین نه آن قدر زیاد است که استخوانها را درهم بشکند، و نه آن قدر کم است که با یک حرکت انسان از جا کنده شود و در فضا پرتاب شود، خلاصه از هر نظر «ذلول» و رام و مسخر فرمان انسان است، جالب اینکه بعد از توصیف زمین به ذلول بودن دستور می‌دهد که بر «مناکب» آن راه بروید، و می‌دانیم «مناکب» جمع «منکب» (بر وزن مغرب) به معنی شانه است، گویی انسان پا بر شانه زمین می‌گذارد و چنان زمین آرام است که می‌تواند تعادل خود را حفظ کند. آری اگر او دستور دهد این زمین ذلول و آرام طغیان می‌کند، و به صورت حیوان چموشی درمی‌آید، زلزله‌ها شروع می‌شود، شکافها در زمین ظاهر می‌گردد و شما و خانه‌ها و شهرهایتان را در کام خود فرو می‌بلعد، و باز هم به لرزه و اضطراب خود ادامه می‌دهد. سپس در آیه ۱۷ می‌افزاید: لازم نیست حتما زلزله‌ها به سراغ شما آید بلکه می‌تواند این فرمان را به تندبادها دهد «آیا شما خود را در امان می‌دانید که خداوند حاکم بر آسمانها تندبادی مملو از سنگ‌ریزه بر شما فرستد و شما را زیر کوهی از آن مدفون سازد؟! (أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا) .

ر.ک: مکارم، ۱۳۷۴: ۲۴ / ۳۳۸ تا ۳۴۰

نمونه ای از آیت الله معرفت:

خداوند متعال در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّا ذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تُمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (لقمان/۳۴) پنج چیز را از اختصاصات خود می‌داند: ۱- علم به زمان رستاخیز ۲- بارانیدن باران ۳- علم به بارور شدن رحم‌ها ۴- اطلاع از فردای هر کس ۵- علم به مکان مرگ هر کس. شبهه این است که امروزه با پیشرفت علم و ابزار آن، کسانی می‌توانند بدانند که در رحم هر حامله‌ای چه چیزی به بار نشست است پس «یعلم ما فی الأرحام» چگونه می‌تواند از اختصاصات باری تعالی باشد؟ آیت الله معرفت در جواب این شبهه با استفاده از آیات (۵۹ انعام، ۸ رعد، ۱۱ فاطر، ۴۷ فصلت، ۵ حج و ۳ سبأ) در نهایت می‌فرماید: «خلاصه، تمامی آیات از فراگیری علم الهی سخن می‌گوید، که این فراگیری، لازمه محیط بودن او است. لذا هیچ منافاتی ندارد که در موارد جزئی، کسانی بتوانند بدانند که در رحم خاصی چه چیز به بار نشست است ولی احاطه به کل رحم‌ها از دایره علم بشری به دلیل محدودیت بیرون است.» (معرفت، ۱۳۸۵: ۳۹۳، ۳۹۴) ایشان بعد از این جواب کلی که از آیات ذکر شده بر می‌آید، یک جواب دقیق دیگری نیز ارائه می‌دهند که از آیه شریفه «۸ رعد» قابل براشت است به عبارت دیگر ایشان برای تفسیر آیه ۳۴ لقمان از تفسیر دیگری که برای آیه ۸ سوره رعد بیان شده استفاده می‌کنند لذا می‌فرمایند: «در مورد آیه «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامَ...» می‌توان تفسیر دیگری کرد: تنها خدا می‌داند که کدام رحم، هنگام لقاح (آمیزش) بارور می‌شود یا فرو می‌نهد. یعنی لحظه آمیزش که نطفه دارد وارد رحم می‌شود، در آن هنگام، آیا این نطفه با تخمک زن، پیوند می‌خورد یا نه. «تحمیل أو تغيض؟» بارور می‌شود یا فروکش می‌کند؟ این علم لحظه‌ای، از دایره علم بشری بیرون است.» (همان، ۳۹۴)

۲-۱. شیوه تفسیر قرآن به سنت:

سها در کتاب نقد قرآن ادعا می کند که: «منابع اسلام دو چیز بیشتر نیست یکی قرآن و دیگری سنت محمد. این کتاب چون در پی بررسی قرآن است منبع اولش صرفا قرآن است و اگر آیه ای وضوح کافی نداشت برای فهم معنی آن به سنت مراجعه می شود سنت هم فقط سنت معتبر، شامل کتب معتبر احادیث نبی، مخصوصا صحیحین بخاری و مسلم، و شامل سیره رسول الله ابن اسحق و ابن هشام و تاریخ طبری.» (سها، ۱۳۹۳: ۲۹) است. نقدی که به ایشان وارد است این است که اولاً منابع اسلامی را دو چیز می داند در حالی که در بین همه اهل سنت، اجماع نیز جزء منابع محسوب می شود و در بین شیعه، غیر از اجماع، و مهمتر از آن، عقل نیز جزء منابع است. ثانیاً ایشان هیچ استنادی به کتب روایی شیعه نکرده است و نگاه ایشان به قرآن کریم تنها از یک زاویه خاصی که مختص به برادران اهل تسنن است اتفاق افتاده پس نمی توان نتایج حاصله را نظر اسلام به معنای جامع دانست اما بررسی روش «تفسیر قرآن به سنت» آیت الله معرفت نشان می دهد که ایشان در استفاده از سنت هم از منابع شیعه استفاد کرده اند و هم از منابع اهل سنت، لذا جامعیت لازم را داراست.

نمونه ای از سها:

سها از ص ۴۷ تا ۵۶ کتاب نقد قرآن، درصدد اثبات این مطلب است که قرآن کریم و روایات علم را مساوی ایمان و جهل را مساوی کفر قرار داده اند، جاهل کسی است که ایمان نداشته باشد هرچند عالم به علوم تجربی باشد. پس مراد از علم ارزشمند در اسلام، همه علوم نیست و تنها شامل حال علم دین و تعقل و تفکر در مورد دین می شود. قرآن از علوم تجربی سر در نمی آورد، لذا معلوم است که این سخن، سخن محمد است نه سخن خدا و از خطاهایی که در قرآن در مورد مسائل تجربی اتفاق افتاده است، می توان این ادعا را اثبات کرد.

بررسی: جناب سها استقرای ناقصی از دین، چه در قسمت آیات و چه در قسمت روایات انجام داده اند و بر اساس آن استقراء، حکم کرده اند. در قسمت آیات ایشان با استفاده از آیات ۹ زمر، ۱۹۰ و ۱۹۱ آل عمران، ۲۲ و ۵۵ انفال، ۴۴ فرقان، ۱۰ ملک به نتیجه مذکور رسیده است در حالی که اگر به آیاتی چون آیه ۹۷ انفال مراجعه می کرد خلاف ادعایش را می یافت خداوند متعال در این آیه می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النَّجْمَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَاللَّيْلِ فَصَلُّوا لِرَبِّكُمْ يَلْمُونَ- و اوست که برای شما ستارگان را آفرید تا در تاریکیهای خشکی و دریا بدانها راه یابید. ما نشانه‌ها را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان کرده‌ایم» که مراد از علم در این آیه علم به آیات تکوینی و تدبیر (سیوطی، ۱۴۱۶/۱۴۳) در آنهاست. پس «قوم یعلمون» قومی هستند که تفکر و تأمل در محسوسات می کنند و با محسوس به معقول استدلال می کنند و از شاهد به غائب منتقل می شوند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۸۰/۱۳) پس علم، تنها تفکر در دین نیست و شامل تفکر در تکوینیات و محسوسات هم می شود. سها در قسمت روایات هم اکتفا به روایات خاصی کرده است (سها، ۱۳۹۳: ۵۲) در حالی که روایاتی داریم که ما را تشویق به علومی کرده است که یقیناً علم دین نیست، مثل فرمایش حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله که فرمودند: «اطَّبُّوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ- علم را طلب کنید هرچند درچین باشد همانا طلب علم بر هر مسلمانی واجب است» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۷/۲۷) این علمی که حتی اگر درچین باشد و آموختنش بصورت عینی یا کفایی واجب باشد چه علمی است؟ یقیناً علم دین نیست. پس مراد از علم در این حدیث هر نوع علمی است که مسلمانان بدان نیازمندند و این نیاز باعث می شود که آموختن آن بصورت کفایی بر هر مسلمانی واجب باشد. در نتیجه باید گفت: درست است که بالاترین علم، علمی است که انسان را به نتیجه های بهتری برساند لذا علم دین، بهترین علم است، اما علم، تنها علم دین نیست، لذا رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: «الْعِلْمُ

عِلْمَانِ عِلْمِ الدِّينِ وَ عِلْمِ الأَبْدَانِ - علم دو گونه است علم اَدیان و علم اَبْدان». (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۱) پس پرداختن به هر دو علم در دین اسلام سفارش شده است.

نمونه ای از آیت الله معرفت:

آیت الله معرفت برای اثبات مسئولیت نطفه مرد در تعیین جنسیت فرزند به روایات نیز تمسک پیدا می کنند (ر.ک: معرفت، ۶: ۱۴۲۹/۷۶) که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود: ۱- امام باقر علیه السلام در تأویل آیه « وَ تَقَلَّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ » (شعراء/۲۱۹)؛ و هم گشتن تو را در میان سجده کنان. فرمودند: مراد أصلاب انبیاء است و در روایت دیگری که از امام باقر و صادق علیهما السلام وارد شده آمده است که در أصلاب انبیاء نبی ای بعد از نبی ای بوده، تا اینکه خداوند متعال او را از صلب پدرش خارج کرده است و این، ماحصل ازدواج شرعی، و نه زنا، از جانب حضرت آدم علیه السلام بوده است (صافی، ۱۴۱۵: ۵۴/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۳/۱۶). ۲- در زیارت امام حسین علیه السلام کنار ضریح مقدسش اینچنین آمده: اَشْهَد اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمَطَاهِرَةِ... (کفعمی، بی تا، ۲۷۴؛ کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۸۹). ۳- ابن عباس می گوید از رسول اکرم صلی الله علیه وآله سؤال کردم: پدر و مادرم به فدایتان زمانی که حضرت آدم در بهشت بود شما کجا بودید؟ حضرت تبسمی کردند تا جایی که دندانهایشان آشکار شد پس فرمودند: من من در صلب او بودم زمانی که به زمین هبوط کرد، در صلب پدرم نوح سوار بر کشتی شدم و در صلب پدرم ابراهیم به آتش انداخته شدم... (سیوطی، ۱۴۰۴: ۹۸/۵). ۴- از امام باقر علیه السلام در مورد «مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ» (حج/۵) سؤال شد حضرت فرمودند: مخلَّقة ذره های هستند که خداوند متعال آنها را در صلب آدم خلق کرد و از آنها میثاق گرفت سپس آنها را در أصلاب مردها و أرحام زن ها قرار داد... (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲/۶) و روایت های دیگری که در این باب آمده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲/۱۵؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱۳/۶) که همگی شاهد این مدعایند که نطفه مرد مسئول تعیین جنسیت فرزند است

۳-۱. راه استفاده از آراء مفسران قرآن کریم:

یکی از روشهای نقد قرآن توسط سها استفاده از آراء مفسران قرآن کریم است. ایشان غرض خود از مراجعه به معتبرترین تفسیرهای موجود را روشن تر شدن مفهوم آیات با توجه به قرآن و سنت می دانند نه اینکه نظر مفسر، اصل قرار داده شود. (ر.ک: سها، ۱۳۹۳: ۳۰) اما در مقام عمل، به نظر می رسد ایشان دنبال مصادره به مطلوب است یعنی در بین تفاسیر، دنبال آرائی می گردد که غیر وحیانی بودن قرآن کریم را از آنها برداشت کند (هر چند آراء دیگری هم وجود داشته باشد که راه بهانه جویی را می بندد) نه اینکه واقعا بخواهد مفهوم آیات را روشن سازد. این نوع نگاه، همان تحمیل رأی به قرآن کریم یا همان تفسیر به رأی است که مورد مذمت شدید قرار گرفته شده است.

اما ذکر نمونه ای از سها:

سها در شبهه ای با عنوان «خروج منی از بین ستون فقرات و دنده ها» (همان، ۵۷) به بیان و ترجمه آیات ۵ تا ۷ سوره طارق (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ) می پردازد. ترجمه مشهوری که در بین مفسرین در مورد این آیات وجود دارد این است: «پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؛ از آب جهنده ای خلق شده» [که] از بین ستون فقرات و استخوانهای سینه بیرون می آید «در این ترجمه، «ترائب» را استخوانهای سینه زن معنا کرده اند. سها علاوه بر این آیات به آیه ۱۷۲ اعراف (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ) نیز استدلال می کند. ترجمه آیه این است: «و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه (نسل) آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار

شما نیستیم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبدا روز قیامت بگوئید ما از این [امر] غافل بودیم «ایشان در ادامه، شبهه خود را وارد می کند
خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۵ش)، تاریخ ابن خلدون/ترجمه مقدمه، محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحرير و التنوير، بی جا.
۲. انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم؛ الصوالحی، عطیة؛ خلف الله احمد، محمد، (بی تا)، المعجم الوسیط، احیاء التراث العربی، بیروت.
۳. بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة-قم، بنیاد بعثت، تهران.
۴. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، (۱۹۸۸ق)، فتوح البلدان، دارومکتبه الهلال، بیروت.
۵. بلخی، مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، عبدالله محمودشحاته، دار احیاء التراث، بیروت.
۶. تبریزیان، نسخه های پیشگیری و درمان، (۱۳۹۵ش)، ترجمه حسن زرقانی، سرداران، قم.
۷. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ق)، شیخ محمدعلی معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۸. حراملی، (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، قم.
۹. حسینی شیرازی، سیدمحمد، (۱۴۲۴ق) تقریب القرآن الی الأذهان، دارالعلوم، بیروت.
۱۰. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات، تهران.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر سوره حمد.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۱ش)، لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، انتشارات دانشگاه، تهران.
۱۳. دیاب، دکتور عبدالحمید، قرقوز دکتور احمد، مع الطب فی القرآن الکریم، مؤسسه علوم القرآن، دمشق.
۱۴. الذهبی، محمد حسین، (۱۳۹۶ق)، التفسیر والمفسرون، دارالکتب الحدیثه، الطبعة الحدیثه، بی جا، دو جلدی.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، دارالعلم الدارالشامیه، دمشق بیروت.
۱۶. ردی برکتاب (نقدقرآن اثر دکتر سهها)، اشکال ۲۶ الی ۳۰، وب سایت بازانندیش.
۱۷. رضایی، محمدعلی، (۱۳۹۴ش)، بررسی کتاب نقد قرآن دکتر سهها، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم.
۱۸. رنجبر، دکتور سهیلا، (۱۳۷۸ش) رافبس، چشم به راهم باش، نگاهی نو به بارداری، انتشارات تیمورزاده-نشرطیب.
۱۹. زحیلی، وهبة بن مصطفی، (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دار الفکر المعاصر، بیروت دمشق: دوم
۲۰. الزرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، چهارجلدی.
۲۱. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: سوم.
۲۲. سمرقندی، نصرین محمد بن احمد، بحرالعلوم.
۲۳. سهها، نقد قرآن، (۱۳۹۳ش) ویرایش دوم، بصورت pdf.

۲۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۲۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، (۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، دو جلدی.
۲۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر، (۱۴۰۵ق)، الاکلیل فی استنباط التنزیل، بی جا.
۲۷. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت- قاهره: هفدهم.
۲۸. شبر، سید عبدالله، (۱۴۱۲ق)، تفسیر القرآن الکریم (شبر)، دارالبلاغه للطباعه والنشر، بیروت.
۲۹. الشرتونی، سعید الخوری، (۱۳۷۴ش؛ ۱۴۱۶ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، دار الأسوة للطباعه والنشر، بی جا.
۳۰. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، مؤلف، قم.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: پنجم.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ش)، تفسیر جوامع الجامع، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران.
۳۳. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، سید محمد باقر موسوی خراسان، نشر مرتضی، مشهد.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: سوم.
۳۵. طنطاوی، محمد سید، (۱۴۱۲ق)، الجواهر فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چهارم.
۳۶. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، سید احمد حسینی، کتابفروشی مرتضوی، تهران: سوم.
۳۷. عاملی، ابراهیم بن علی، کفعمی، البلد الامین، (بی تا)، چاپ سنگی.
۳۸. عاملی، ابراهیم بن علی، کفعمی، (۱۴۰۵ق)، المصباح للكفعمی، انتشارات رضی (زاهدی)، قم: دوم.
۳۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، شیخ هاشم رسول محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، قم: چهارم.
۴۰. غزالی، ابوجامد، (۱۴۰۲ق)، احیاء العلوم، دارالمعرفه، بیروت، چهار جلدی.
۴۱. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (فخر رازی)، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: سوم.
۴۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش) تفسیر نور، مرکز فرهنگه از قرآن، تهران: یازدهم.
۴۳. قمی، مشهدی، محمد بن محمد رضا، (۱۳۶۸ش)، کنزالدقائق و بحر الغرائب، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
۴۴. کاشانی، محمد محسن فیض، (۱۴۰۲ق)، تفسیر صافی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۵ جلدی، دوم.
۴۵. کلینی، ثقة الاسلام کلینی، (۱۳۶۵ش)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چهارم.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۴۷. مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۲ش)، آموزش فلسفه، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران: سوم.
۴۹. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۶۸ش)، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم.
۵۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۵۱. معرفت، محمدهادی، (۱۴۲۹ق)، التمهيد، مؤسسة النشر الاسلامي، قم: چهارم.
۵۲. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۵ش)، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، حسن حکیم باشی، علی اکبر رستمی، میرزا علیزاده، حسن خرقانی، مؤسسه فرهنگی تمهید، قم.
۵۳. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۰ق) علوم قرآنی، مؤسسه فرهنگی تمهید، قم: سوم.
۵۴. معین، محمد، (۱۳۷۵)، لغت نامه، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۵۶. میزگرد زبان دین، مصباح، محمدتقی، (۱۳۷۵) مجله معرفت، ش ۱۹.
۵۷. نحاس، ابوجعفر احمدبن محمد، (۱۴۲۱ق)، اعراب القرآن، منشورات محمدعلی بیضون، دارالمکتبه العلمیه، بیروت.
۵۸. واسعی زبیدی، محب الدین، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع، بیروت.
۵۹. نقد دیدگاه های مستشرقان در رابطه با تعارض قرآن و علوم طبیعی، مسترحمی، سید عیسی، فراهی بخشایش، علی اکبر، (۱۳۹۱ش)، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۲.